بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

شأن نزول آیات

حد نصاب السنةالسادسه

(از ابتدای سوره یس الی آخر جزء ۳۰)

تهیه و تنظیم: (ابو رضوان) رسول پورگلزار سرخس

با همکاری دوستان: ابوبکر شهنوازی، عرفان سرگلزایی و خلیل عالیزهی

کاری از

طلاب سال ششم شورشادی و کانال همیار طلاب

۱_ شأن نزول: (آیه/ ۶_سوره ص) سرداران زمانیکه آنحضرت صلی الله علیه و سلم آن‌ها را دعوت داد حرکت کردند وبه زیر دستان خود گفتند که این دعوتی که محمد صلی الله علیه و سلم مطرح کرده است می‌خواهد سرداری را بگیرد وخواهان ریاست است وبه آن‌ها گفتند که بردین پدران خود صابر بمانید_پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۲_ شأن نزول: (آیه/ ۳۱ سوره ص) _این آیه در مورد حضرت سلیمان نازل شد زمانیکه اسب‌های جهادی را خواست وآن‌ها را بازدید می کرد نماز عصرش فوت شد بعد ازآن همه آن اسب ها را خواست وپاهایشان راقطع کرد. پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۳_شأن نزول: (آیه/ ۳_سوره زمر) از حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت است که می فرمایند این آیه برای۳_قبیله نازل شد ۱_بنی عامر ۲_بنی کنانه۳_بنی سلمه که اینها می گفتند ما بت‌ها

را عبادت می کنیم وهمچنین آن‌ها را می گفتند که ملائکه دختران خدا هستند وعقیده داشتند به وسیله این ملائکه به خداوند تقرب می جوئیم. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۴_ شأن نزول: (آیه/۹_ سوره زمر) از ابن عمر رضی الله عنه روایت است که این آیه در رابطه با حضرت عثمان رضی الله عنه نازل شده است چون بسیار نماز شب می خواند حتی که در یک رکعت قرآن راختم می کرد.

۵_ شأن نزول: (آیه/۱۷_ سوره زمر) از حضرت جابر ابن عبدالله روایت است که چون این آیه (لها سبعة ابواب) در وصف بهشت نازل شد مردی از انصار بلند شد وگفت ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم من ۷_غلام دارم که می خواهم با آزاد کردن آنها هر ۷_ درب بهشت رااز‌آن خود کنم بعد این آیه نازل شد.

۶_شأن نزول: (آیه/ ۲۸_ سوره زمر) رسول خدا صلی الله علیه و سلم از مشرکین دراین مورد که چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است سوال نمود آن‌ها سکوت کردند بعد این آیه نازل شد.

۷_ شأن نزول: (آیه/ ۵۳_ سوره زمر) بخاری ومسلم از ابن عباس رضی الله عنه روایت می کنند که جمعی از مشرکین مرتکب قتل،زناوفحشا شده بودند،سپس به نزد آنحضرت صلی الله علیه و سلم آمدند وگفتند آنچه که تومی گویی وبه سوی آن فرا می خوانی بسیار زیبا ونیکو است،آیا می توانی به ما خیری بدهی بااین همه گناهانی که ما کرده ایم برای ما توبه است،بعد آیه ۶۸-۷۹_ سوره فرقان واین آیه سوره زمر نازل شد.

۸_ شأن نزول: (آیه/ ۴_ سوره مؤمن) کفار قریش در تابستان به شام می رفتند ودرزمستان به یمن می رفتند وبه خاطر حرمت اینکه میزبانان حرم محسوب می شدند وکسی با آنها کار نداشت وبه آن‌ها آزار نمی رساندند مثل چپاول کردن مال وکشتن آنها. پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۹_شأ ن نزول: (آیه/ ۶۶_سوره مؤمن) حضرت ابن عباس رضی الله عنه در سبب نزول این آیه می فرماید: ولید بن مغیره وشعبه ابن ربیعه به آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند ای محمد از آنچه که می گویی دست بردار وبه دین پدرانت برگرد بعد این آیه نازل شد.

۱۰_ شأن نزول: (آیه/ ۲۲_سوره حمّ سجده) حضرت عبدالله ابن مسعود می فرماید که یک ثقفی ودو قریشی یابرعکس،باهم صحبت می کردند یکی از همین ۳_نفر سؤال کرد که آن سخن ها وکارهای پنهانی ما را خدا می‌شنوند ومی‌بیند یکی گفت خدا نمی‌داند شخص سوم گفت می داند ومی‌بیند خداوند، بعد این آیه نازل شد.

۱۱_شأن نزول: (آیه/ ۳۰_سوره حمّ سجده) حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنه در سبب نزول این آیه می‌فرماید که این آیه در شأن حضرت ابوبکر نازل شد، زیرا مشرکان گفتند پروردگار ما الله هست وفرشتگان دختران اوهستند واین بتان شفیعان ما نزد وی هستند لذا آنها بر گفته شان استقامت نکردند وانحراف پیشه کردند، وابوبکرصدیق رضی الله عنه استقامت کرد واین آیه نازل شد.

۱۲_ شأن نزول: (آیه/۳۳_سوره حمّ سجده) این آیه در شأن مؤذنان نازل شده است ودر حدیثی از عمر است که در مورد آنحضرت صلی الله علیه و سلم نازل شده است.

۱۳_شأن نزول: (آیه/ ۳۴_سوره حمّ سجده) حضرت مقاطع رضی الله عنه در سبب نزول این آیه می فرماید که این آیه در مورد ابو سفیان بن حرب رضی الله عنه نازل شد که اول دشمن آنحضرت صلی

الله علیه و سلم بود سپس خویشاوند ایشان شدند واسلام آورد. پس خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۱۴_ شأن نزول: (آیه/۴۴سوره حمَ سجده) ابن جریر از سعید ابن جُبیر رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه روایت کرده است که قریشی‌ها گفتند چرا این قرآن به طور مختلط به زبان های عربی وعجمی نازل نشده است بعد خداوند در پاسخ آن‌ها این آیه را نازل گردانید.

۱۵_ شأن نزول: (آیه/ ۵۱سوره شوریٰ) یهودیان به آنحضرت صلی الله علیه و سلم گفتند اگر تو پیامبر واقعی هستی چرا با خداوند سخن نمی کنی وچرا به طرف آن نگاه نمی کنی. بعد این آیه نازل شد.

۱۶_ شأن نزول: (آیه/ ۱۹ سوره زخرف) حضرت ابن منذر رضی الله عنه از أبو قتاده رضی الله عنه روایت می کند که جمعی از منافقان گفتند خداوند با جن‌ها خویشاوندی برقرار کرده واز این خویشاوندی فرشتگان پدید آمده‌اند بعد این آیه نازل شد.

۱۷_ شأن نزول: (آیه/ ۲۲سوره زخرف) حضرت مقاتل رضی الله عنه می فرماید که این آیه درباره ولید بن مغیره وابوسفیان وابوجهل وعتبه وشیبه نازل شده است.

۱۸_ شأن نزول: (آیه/ ۴۰_سوره زخرف) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خود را در دعوت قومشان خسته می کردند اما قومشان جز به گمراهی چیزی نمی افزودند که برای تسلی آنحضرت صلی الله علیه و سلم این آیه نازل شد.

۱۹_ شأن نزول: (آیه/ ۵۷ سوره زخرف) درجواب عبدالله ابن زبعری نازل شد چون این آیه (انکم وما تعبدون من دون الله حصب جهنم أنتم لها واردون) نازل شد این‌ها شروع کردند به سروصدا کردن که این آیه نازل شد.

۲۰_ شأن نزول: (آیه/ ۶۷ سوره زخرف) این آیه درباره أُبَی ابن خلف وعقبه ابن ابی معیط نازل شده که این‌ها با هم بسیار دوست بودن حضرت رسول صلی الله علیه و سلم با عقبه هم نشینی داشت قریشی‌ها گفتند عقبه ازدین خود برگشته بعد ابن خلف گفت اگر برصورت محمد صلی الله علیه و سلم آب دهان بیندازی بعد ازاین کار تو راضی می‌شوم آن هم چنین کرد بعد پیامبرگرامی صلی الله علیه و سلم نذر کرد که آن را بکشد، ودر جنگ بدر او را به درک واصل کرد. همان بود که خداوند این آیه را نازل کردند.

۲۱_ شأن نزول: (آیه/ ۸۰ سوره زخرف) ابن جریر طبری می فرماید که۳_ نفردربین کعبه وپرده های آن نشسته ۲_نفرازآنهاقریشی و ۱_نفر ثقفی بود یابرعکس در این هنگام یکی ازآنها گفت آیا خداوند سخنان مارا می شنود یکی گفت اگر بلندصحبت کنیم می شنود والا نه خداوند این آیه رانازل گردانید. (قبلا در سوره حم سجده آیه ۲۲ عین همین شأن نزول گذشت).

۲۲_ شأن نزول: (آیه/ ۱۰ سوره دخان) بخاری و مسلم و دیگر ان از ابن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کنند که بعد از نافرمانی قریش وعناد ودشمنی سرسختانه قریش با رسول الله صلی الله علیه و سلم آنحضرت دعاء کردند (اللهم علیهم سبعٍ کسبع یوسف) یعنی بارالها مرا برآنان به هفت سال قحطی مانند سال‌های یوسف یاری کن قریش براثر دعاء حضرت رسول صلی الله علیه و سلم چنان گرفتار قحطی دشواری شدند که از فرط گرسنگی استخوان‌ها را می‌خوردند بر اثر این گرسنگی شدید چون انسان آسمان را نگاه می‌کردند میان آسمان وزمین را به شکل دود سیاهی می‌دیدند پس این آیه نازل شد.

۲۳_شأن نزول: (آیه/۴۳_سوره دخان) سعید بن منصوردر بیان سبب نزول این آیه وما بعد آن از ابی مالک روایت می کند که گفت ابوجهل خرما وکره را می آورد وبه هم می آمیخت آن گاه می گفت(تزَّقموا) یعنی زقوم بخورید واین همان زقومی هست محمد صلی الله علیه و سلم به شما وعده می دهد پس این آیه نازل شد.

۲۴_شأن نزول: (آیه/ ۴۹_سوره دخان) عکرمه رضی الله عنه روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه و سلم با ابوجهل ملاقات کردند وخطاب به ایشان فرمودند خداوند متعال به من دستورداده که به تو بگویم (اولیٰ لک فأولیٰ ثم أولیٰ لک فأولیٰ) ولی آن ملعون دست خود را از دست آنحضرت صلی الله علیه و سلم کشید وگفت نه تومی‌توانی با من کاری کنی ونه رفیق تو(یعنی خدا) تو خود نیک می دانی که من قدرت مند هستم درمیان اهل بطحیٰ، خداوند متعال او را روز بدر هلاک گردانید وننگ ونفرت ابدی را برایش برجای گذاشت و این آیه مبارکه (ذق إنک أنت العزیز الکریم) را نازل کردند.

۲۵_شأن نزول: (آیه/ ۸_سوره جاثیه) مفسران گفته‌اند این آیه کریمه درمورد نضربن حارث نازل شد که داستان‌های عجم را پخش می کرد و مردم را به آن‌ها مشغول می‌کرد تا قرآن را نشنوند. پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۲۶_شأن نزول: (آیه/ ۱۴_جاثیه) ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که این آیه در مورد حضرت عمرابن خطاب رضی الله عنه وعبدالله ابن ابی (منافق) ودو گروه پیروآنها نازل شد ماجرا ازاین قراراست که سپاه اسلام درغزوه بنی مصطلق نازل شد برسرچاهی به نام مرسیع فرود آمده بودند عبدالله ابن أبی غلامش را فرستاد تاآب بیاورد غلام تاخیر کرد وچون نزد وی آمد از وی پرسید علت تأخیرت چه بود؟ اوگفت که غلام عمر رضی الله عنه بردهانه چاه نشسته است وکسی را إجازه نمی دهد که از چاه آب بردارد تامشک های پیامبر صلی الله علیه و سلم وابوبکر رضی الله عنه وموﻻیش عمر را نیز پرنکند عبدالله ابن ابی گفت مثل ما واین گروه چنانکه گفته اند (سمِّن کلبک یاکلک) سگت را فربه کن تا تو را بخورد پس این سخن بر عمر رضی الله عنه رسید او شمشیرش را گرفت تا به قصد عبدالله ابن أبی حرکت کند همان بود که این آیه نازل شد.

۲۷_شأن نزول: (آیه/ ۲۱_سوره جاثیه) این آیه کریمه درباره علی،حمزه،ابوعبیده بن جراح (رضی الله عنهم) و ۳تن از مشرکان بنام‌های عتبه،شیبه و ولید بن عتبه نازل شد زیرا مشرکین به آن مؤمنان گفتند بخدا سوگند شما برچیزی از حق وحقیقت قرار ندارید واگر بالفرض آن‌چه را که می‌گویید حق باشد که حال ما از حال شما در آخرت بهتر خواهد بود چنانکه حال ما هم اکنون در دنیا از حال شما بهتر است.

۲۸_شأن نزول: (آیه/ ۲۳_سوره جاثیه) این آیه مربوط به (افرأیت من اتخذالهه هواه) است که به قولی درباره قریش وبه قولی دیگر درباره حرث ابن قیس سهمی که یکی از تمسخر کننده‌گان دین حق بود نازل شد که هرچه به ظن خودشان بهترونفس بدان تمایل داشت می‌پرستیدند. پس خداوند متعال این آیه مبارکه را نازل فرمودند.

۲۹_شأن نزول: (آیه/ ۲۴_سوره جاثیه) ابوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که اهل جاهلیت می‌گفتند جز این نیست که ما را گذر شب هلاک می‌کند پس این آیه نازل شد.

۳۰_شأن نزول: (آیه/۱۱_سوره أحقاف) إبن منذر رضی الله عنه روایت می‌کند که عمر إبن الخطاب رضی الله عنه کنیزی به نام زُنیره داشت که قبل از وی مسلمان شده بود عمر او را به خاطر مسلمان

شدنش می‌زد و کفار قریش می‌گفتند اگر این دین کار خیر و با ارزشی می‌بود زُنیره از ما بر آن سبقت نمی‌گرفت خداوند این آیه را در شأن زُنیره نازل فرمودند.

۳۱ شأن نزول: (آیه/۱۵ سوره احقاف) واحدی از إبن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که این آیه درباره حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه نازل شد زیرا او ۱۸ سال سن داشتند و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم ۲۰ سال سن داشتند که با هم در کاروان‌های تجارتی که عازم شام بود با هم همراه شدند پس در جایی به پای درخت سدری منزل زدند آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم در سایه آن درخت نشستند و ابوبکر رضی الله عنه نزد راهبی که در آن‌جا بود رفت تا از او درباره دین حق سؤال کند راهب از وی پرسید آن مردی که در زیر سایه درخت سدر نشسته است کیست؟ حضرت ابوبکر رضی الله عنه گفت او محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب است، راهب گفت به خدا سوگند که او پیامبر است و کسی بعد از عیسی بن مریم علیه السلام جز محمد نبی خدا به سایه آن درخت پناه نگرفته است، پس از آن هنگام در قلب ابوبکر رضی الله عنه یقین افتاد که بعد از آن هیچگاه پیامبر صلی الله علیه و سلم را تنها نمی‌گذاشت. پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی به سن ۴۰ سالگی رسیدند و دعاء کردند (رب أوزعنی) الخ. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۳۲ شأن نزول: (آیه/۲۹ سوره أحقاف) إبن مسعود رضی الله عنه روایت می‌کند که ۹ تن از جن‌ها بر رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرود آمدند که آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم در بطن نخلی قرآن می‌خواندند پس چون قرائت ایشان را شنیدند با خود گفتند گوش فرا دهید، پس این آیه نازل شد.

۳۳ شأن نزول: (آیه/۱ سوره محمد) از إبن عباس رضی الله عنه روایت است که مراد از (الذین کفروا و صدوا عن سبیل الله) مردم مکه هستند.

۳۴ شأن نزول: (آیه/۲ سوره محمد) این آیه در مورد أنصار مدینه نازل شده است.

۳۵ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره محمد) حضرت قتاده رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه می‌فرماید که این آیه در روز أحد نازل شد آن‌گاه که آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم در میان شکاف ۲ کوه قرار داشت مشرکان فریاد زدند روزی در مقابل روزی ما بُت عزّیٰ را داریم و شما آن را ندارید آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند که جواب آن‌ها را بگوئید (الله مولانا و لا مولیٰ لکم) که حضرت عمر رضی الله عنه جواب آن‌ها را داد. پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۳۶ شأن نزول: (آیه/۱۳ سوره محمد) از حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنه روایت شده زمانی‌که آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم در سفر هجرتشان به سوی غار ثور در حرکت بودند به جانب مکه نگاهی کردند و گفتند دوست داشته‌ترین سرزمین‌های خداوند نزد من هستی و اگر شهروندانت مرا بیرون نمی‌کردند من از میان تو بیرون نمی‌آمدم. خداوند برای تسلی آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم این آیه را نازل فرمودند.

۳۷ شأن نزول: (آیه/۱۶ سوره محمد) حضرت مقاتل رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه نقل کرده که این آیه در مورد منافقان نازل شده، البته حضرت شاه ولی‌الله رحمه‌الله می‌فرمایند که از همین آیه تا آخر سوره در تهدید مردم ضعیف الإیمان نازل شده است.

۳۸ شأن نزول: (آیه/۳۳ سوره محمد) أبوالعالیه در بیان سبب نزول این آیه می‌فرماید که اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم بر این باور بودند که با داشتن عقیده به (لاإله إلاالله) هیچ گناهی به إنسان زیان نمی‌رساند چنان‌که با شرک ورزیدن به حق تعالی هیچ عمل خیری سودمند نمی‌شود پس این آیه نازل شد.

۳۹ شأن نزول: (آیه/۳۴ سوره محمد) مفسران می‌فرمایند که این آیه در مورد کشته شده‌گان مشرکین در غزوه بدر نازل شده است.

۴۰ شأن نزول: (آیه/۱ سوره فتح) زمانی که آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم از صلح حدیبیه برگشتند خداوند برای تسلی آن‌ها این سوره را نازل فرمودند.

۴۱ شأن نزول: (آیه/۲۳ سوره فتح) مفسران در سبب نزول این آیه از أبو جعفر رضی الله عنه روایت کرده‌اند که فرمود من در آغاز روز در حال کفر علیه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می‌جنگیدم و در آخر روز در حالی که مسلمان شده بودم در صف مسلمانان با دشمنانشان می‌جنگیدم ما ۳ مرد و ۷ زن بودیم که خداوند این آیه را نازل کردند.

۴۲ شأن نزول: (آیه/۲۵ سوره فتح) پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: که بر من چنان آیه‌ای نازل شده که از همه آن‌چه بر روی زمین است دوست داشتنی است پس آن را برای صحابه قرائت کردند و صحابه تبریک گفتند پس آیه (لیدخل المؤمنین والمؤمنات/ تا فوزاً عظیما) نازل شد.

۴۳ شأن نزول: (آیه/۲۶ سوره فتح) روایت شده که ۸۰ نفر از اهالی مکه مسلحانه از کوه تنعیم بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم و یارانش فرود آمدند و می‌خواستند غافل گیرانه آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم را به قتل برسانند که همه دستگیر شدند و آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم آن‌ها را آزاد کردند. پس خداوند متعال این آیه را نازل فرمودند.

۴۴ شأن نزول: (آیه/۲۷ سوره فتح) منافقین و بعضی از مسلمانان ساده لوح گفتند که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده که من خواب دیده‌ام که برای عمره خواهم رفت و حال آن‌که نرفت پس تعبیر خواب چی شد؟ خداوند برای تعبیرش این آیه را نازل کردند.

۴۵ شأن نزول: (آیه/۱ سوره حجرات) امام بخاری در بیان سبب نزول این آیه تا آیه ۵ از عبدالله إبن زبیر روایت کرده که فرمود: قافله‌ای از بنی تمیم به محضر رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمدند ابوبکر صدیق رضی الله عنه به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم پیشنهاد کردند ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم قعقاع إبن معبد را بر آنان امیر بگردانیم حضرت عمر رضی الله عنه فرمودند: نه بلکه أقرع بن حابس را بر آن‌ها امیر بگردانیم بعد از آن حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه به حضرت عمر گفت تو از طرح این پیشنهاد هدفی جز مخالفت با من نداشتی حضرت عمر رضی الله عنه فرمود که قصد من مخالفت با شما نبود با هم گفت و شنودهایی نمودند تا که صدایشان بلند شد بعد خداوند این آیات را نازل فرمود.

۴۶ شأن نزول: (آیه/۴ سوره حجرات) در بیان سبب نزول این آیه آمده است که این آیه درباره مردم درشت‌خو و احمق از قبیله بنی تمیم نازل شده که آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم را از بیرون خانه‌ها صدا کردند تا در مقابل آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم خودنمایی بکنند. همان بود که خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۴۷ شأن نزول: (آیه/۶ سوره حجرات) مفسران در بیان سبب نزول این آیه گفته‌اند این آیه درباره ولید بن عقبه إبن أبی معیط نازل شد زیرا که رسول اکرم صلی الله علیه و سلم وی را برای جمع‌آوری زکات‌های گوسفندان قبیله بنی مصطلق فرستادند و در میان او و آنان جلوتر کینه‌ای بود پس چون قبیله بنی مصطلق خبر آمدنش را شنیدند سوارانی را به سویش فرستادند وقتی ولید از حرکت سواران به سوی خودش خبر شد از آن‌ها ترسیده و به سوی آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم بازگشت و به ایشان گفت که قبیله بنی مصطلق خواستند مرا بکشند و از دادن زکات سرباز زدند لذا

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم خواستند که بر آنان حمله کنند که ناگاه هیئت نمایندگی قبیله بنی مصطلق به مدینه رسیدند و گفتند که به ما خبر رسیده که فرستاده شما به نزد ما آمده است پس بیرون شدیم تا به او خیر مقدم گفته و آنچه از زکات است به او بپردازیم. الخ پس خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۴۸ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره حجرات) علامه ضحاک رحمه‌الله در سبب نزول این آیه می‌فرماید که این آیه درباره یک هیئت نمایندگی که از قبیله بنی تمیم بود نازل شد که فقرایی را امثال عمار و خباب (رضی الله عنهم) را مورد تمسخر قرار داده بودند. بعضی از بزرگان می‌فرمایند: سبب نزول این آیه در مورد صفیه بنت حیی إبن أخطب که نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد و گفت زنان مرا مسخره کرده و می‌گویند ای دختر ۲ یهودی. پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۴۹ شأن نزول: (آیه/۱۲ سوره حجرات) روایت شده است که این آیه درباره سلمان فارسی رضی الله عنه نازل شده است که غذا خورد و به دنبال آن بی‌درنگ خوابید و شخصی از اینگونه خوردن و نوشیدن وی به بدی یاد کرد. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۵۰ شأن نزول: (آیه/۱۳ سوره حجرات) از ابن ابی حاتم رضی الله عنه روایت است که در روز فتح مکه بلال بر پشت بام کعبه برآمد و اذان گفت در این اثناء برخی از مردم گفتند آیا همین برده بر پشت کعبه اذان می‌گوید؟ دیگرانی در پاسخ‌شان گفتند اگر این کار خدا را به خشم آورده باشد او آن را تغیر می‌دهد این آیه نازل شد. پیامبر صلی الله علیه و سلم این گروه را خواستند و سرزنش کردند.

۵۱ شأن نزول: (آیه/۱۴ سوره حجرات) مفسران می‌گویند که این آیه درباره تعدادی از افراد قبیله بنی أسد ابن خزیمه نازل شد که در قحط سالی به مدینه آمدند در حالی که در حقیقت امر مؤمن نبودند شهادتین را اعلان کردند. پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۵۲ شأن نزول: (آیه/۲۴/۲۶ سوره ق) این آیات درباره ولید بن مغیره نازل شد آن‌گاه که او فرزندان برادرش را از خیر که (اسلام) باشد باز داشت.

۵۳ شأن نزول: (آیه/۵۴/۵۵ سوره ذاریات) حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید: که چون آیه (فتول عنهم فما أنت بملوم) نازل شد کسی از ما باقی نماند جز این‌که به نابودی یقین کرد زیرا رسول اکرم صلی الله علیه و سلم به روی‌گردانیدن از کفار دستور داده شده بودند آن‌گاه آیه (و ذکّر فإنّ الذکرىٰ تنفع المؤمنین) نازل شد پس در این هنگام دل‌های ما آرام گرفت و خوشحال شدیم.

۵۴ شأن نزول:(آیه/۳۰ سوره طور) ابن جریر و ابن اسحاق (رضی الله عنهم) از ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کنند چون قریش در دارالندوة جمع شدند تا در کار رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رایزنی کنند. گوینده‌ای از آنان گفت او را زندان و در بند کنید سپس به او منون را انتظار بکشید تا نابود شود چنان‌که قبل از وی از شعراء مانند زهیر، نابغه واعشی هلاک شدند زیرا او نیز یکی از آنان است پس خداوند متعال این آیه را نازل کرد.

۵۵ شأن نزول: (آیه/۳۲ سوره نجم) حضرت ثابت بن حارث انصاری رضی الله عنه می‌گوید: چون طفل صغیری از یهود می‌مرد آن‌ها می‌گفتند این طفل صدیق است پس این خبر به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم رسید فرمودند: (کذّبت الیهود ما من نسمة یخلقه الله فی بطن أمه الا و یعلم إنه شقی او سعید). پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۵۶ شأن نزول:(آیه/۳۳ سوره نجم) کافری بود به نام ولید بن مغیره که قرآن را گوش کرد و به آن ایمان آورد و از قرآن متأثر شد بعد به علت سرزنش دوستانش از اسلام روگردانی کرد که این آیه در رابطه با آن نازل شد.

۵۷ شأن نزول:(آیه/۴۳ سوره نجم) از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم از نزد گروهی گذشتند که آن‌ها می‌خندیدند پس خطاب به آن‌ها فرمود اگر شما آنچه را که من می‌دانم می‌دانستید یقیناً بسیار می‌گرستید و کم می‌خندیدید بعد از این گفته آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم حضرت جبرئیل علیه السلام آمد و این آیه را آورد.

۵۸ شأن نزول:(آیه/۲ سوره قمر) در بیان سبب نزول این آیه آمده زمانیکه ماه دو قسمت شد مشرکین گفتند که محمد صلی الله علیه و سلم ماه را جادو کرده است و از مسافرین راهها این مسئله را پرسیدند آن‌ها هم گفتند که ما هم این چیز را دیده‌ایم بعد خداوند این آیه را نازل کرد.

۵۹ شأن نزول (آیه/۴۵ سوره قمر) ابن جریر از ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که سبب نزول این آیه چنین است که کفار قریش در روز بدر گفتند که (نحن جمیعٌ منتصر) متصلاً خداوند در جواب آن‌ها فرمود (سیهزم الجمع و یولون الدبر).

۶۰ شأن نزول:(آیه/۴۷ سوره قمر) حضرت أبوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که مشرکان قریش پیش آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم آمدند و در مورد تقدیر با آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم گفتگو کردند بعد خداوند در جواب آن‌ها آیات ۴۷ تا ۴۹ را نازل کردند.

۶۱ شأن نزول:(آیه/۴۶ سوره رحمن) در بیان سبب نزول این آیه روایت شده که این آیه درباره حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه نازل شده زیرا روزی حضرت صدیق اکبر رضی الله عنه قیامت، حساب، کتاب و دوزخ را به یاد آورد و پس گفت دوست داشتم که گیاهی از گیاهان سبز می‌بودم و حیوانی می‌آمد و مرا می‌خورد دوست داشتم که هرگز آفریده نمی‌شدم پس این آیه نازل شد.

۶۲ شأن نزول:(آیه/۳۹ سوره واقعه) أبوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند چون آیه (ثلة من الأولین و قلیل من الآخرین) نازل شد این امر بر مسلمانان دشوار آمد بعد از آن آیه (ثلة من الأولین و ثلة من الآخرین) نازل شد.

۶۳ شأن نزول:(آیه/۷۵ سوره واقعه) ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند که در زمان آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم بر مردم باران فرو فرستاده شد پس آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: اینک بعضی از مردم شاکراند و بعضی ناسپاس اما آنانی که شکر گذارند گفتند این رحمتی است که خداوند آن را بر ما منّت نهاد و اما آن کسانی که ناسپاس‌اند گفتند که باران به سبب فلان ستاره که در حال غروب است بر ما فرود آمده است بعد این آیه تا (و تجعلون رزقکم انکم تکذبون) نازل شد.

۶۴ شأن نزول:(آیه/۹۶ سوره واقعه) وقتی این آیه نازل شد حضرت رسول صلی الله علیه و سلم فرمودند: (اجعلوها فی رکوعکم) و وقتی (سبح اسم ربک الأعلی) نازل شد آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: که این را در سجده خود یاد کنید.

۶۵ شأن نزول: (آیه/۷ سوره حدید) در بیان سبب نزول این آیه مفسران کرام می‌فرمایند: که در مورد غزوه تبوک و انفاق در آن نازل شده است.

۶۶ شأن نزول: (آیه/۱۰ سوره حدید) در بیان سبب نزول این آیه آمده است که در مورد حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه نازل شد که مال خویش را قبل از فتح مکه به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم انفاق کرد.

۶۷ شأن نزول: (آیه/۱۶ سوره حدید) روایت شده است که در میان اصحاب آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم شوخی و مزاح شایع گشته بود پس الله این آیه را نازل فرمود.

۶۸ شأن نزول: (آیه/۲۸ سوره حدید) حضرت مقاتل رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه می‌فرماید: چون آیه (**یؤتون اجرهم مرتین**) نازل شد مومنان اهل کتاب بر اصحاب آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فخر می‌کردند که ما از دو پاداش برخوردار هستیم در حالی که شما فقط از یک پاداش برخوردار هستید پس این سخن اهل کتاب بر اصحاب دشوار آمد همان بود که خداوند این آیه را نازل کرد و برای اصحاب هم همانند اهل کتاب دو پاداش قرار داد.

۶۹ شأن نزول: (اجمالی سوره مجادله) زنی به نام خوله بنت ثعلبه شوهری داشت به نام أوس بن صامت که با او ظهار کرد و خوله خیلی ناراحت شده و به محضر آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم حاضر شد و گفت ای پیامبر صلی الله علیه و سلم شوهرم با من ظهار کرده است پس حال من چطور است. پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: به فکر من شما طلاق شده‌اید، خوله گفت ای نبی خدا صلی الله علیه و سلم اسم طلاق را نگیر او با من ظهار کرده تا سه مرتبه این را گفت، پیامبر صلی الله علیه و سلم همان جواب را داد بعد خوله ناراحت شده و در کنج خانه در فکر فرو رفت بعد این آیه نازل شد.

۷۰ شأن نزول: (آیه/۷ سوره مجادله) حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه می‌فرماید که روزی ربیعه و حبیب پسران عروه و صفوان ابن امیه با یکدیگر به طور خصوصی صحبت می‌کردند پس یکی از آنان به دو تن دیگر گفت به نظر شما آیا خداوند آن‌چه را که اکنون ما با یکدیگر می‌گوییم می‌داند. دیگری گفت او بعضی از آن را می‌داند و بعضی را نمی‌داند سوّمی گفت اگر بعضی را بداند یقیناً همه را می‌داند. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل فرمودند.

۷۱ شأن نزول: (آیه/۸ سوره مجادله) در مورد آخر این آیه از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت است که گروهی از یهودیان نزد آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم آمدند و گفتند: (**السام علیک یا اباالقاسم**) من در پاسخ آن‌ها گفتم که (**السام علیکم و فعل الله بکم**). رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: ساکت باش ای عایشه زیرا خداوند بدگویی و بدزبانی را دوست ندارد گفتم ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم نمی‌دانید که چه می‌گویند؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: تو نمی‌دانی که من سخن آن‌ها را به خودشان باز گرداندم. پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۷۲ شأن نزول: (آیه/۱۰ سوره مجادله) حضرت قتاده رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه می‌فرماید که منافقان در میان هم رازگویی می‌کردند و این امر مؤمنان را بر سر خشم می‌آورد و برایشان سنگین تمام می‌شد چنان‌که خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۷۳ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره مجادله) قتاده و مجاهد رضی الله عنهما در مورد سبب نزول این آیه می‌فرمایند: اصحاب در جای گرفتن در مجلس آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم با هم رقابت می‌کردند و هر یکی تلاش می‌کرد که به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم نزدیک شود لذا دستور داده شدند که برای همدیگر جای باز کنند و در روایت دیگری آمده که این آیه در روز جمعه نازل شد که اهل بدر در مسجد آمدند و کسی برای آن‌ها جای باز نکرد و آن‌ها سر پاهایشان ایستادند بعد این آیه نازل شد.

۷۴ شأن نزول: (آیه/۱۲ /۱۳ سوره مجادله) حضرت ابن جریر رضی الله عنه از حضرت عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که مسلمانان در سؤال کردن از آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم زیاده روی کردند تا جایی که بر آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فشار آمد خداوند خواست که بر آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم کمی بار را سبک‌تر کند پس این آیه نازل شد.

۷۵ شأن نزول: (آیه/۱۴ سوره مجادله) ابن ابی حاتم رضی الله عنه روایت کرده که این آیه در مورد منافقی به نام عبدالله ابن نبتل نازل شد چون به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فحش می‌دادند و سخنان آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم را به یهودیان می‌رساندند وقتی رسول خدا صلی الله علیه و سلم به او گفت که تو و یارانت چرا به من فحش می‌دهید او و یارانش قسم یاد کردند که ما فحش نداده‌ایم بعد خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۷۶ شأن نزول: (اجمالی سوره حشر) سبب نزول این سوره طائفه بنی نظیراند. ابن عباس رضی الله عنه روایت می‌کند چون رسول خدا صلی الله علیه و سلم به مدینه هجرت کردند با طائفه بنی نظیر عقد صلح متارکه بستند و پیمان دادند که با آن‌ها نمی‌جنگند و آن‌ها نیز چنین تعهدی دادند ولی در نتیجه آن‌ها عهد شکنی کردند، نهایتاً خداوند بر آن‌ها عذابی فرود آوردند و آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم آن‌ها را از دژهایشان بیرون کردند. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل فرمودند.

۷۷ شأن نزول: (آیه/۲ سوره حشر) چون مسلمانان در روز أحد شکست خوردند بنی نظیر عهدشان را شکستند و کعب ابن أشرف با ۴۰ اسب سوار به مکه رفت و با أبوسفیان عهد و پیمان بست و پیامبر صلی الله علیه و سلم به محمد بن مسلمه دستور داد تا او را ترور کند و با ترور او آن‌ها تسلیم شدند. پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۷۸ شأن نزول: (آیه/۵ سوره حشر) مفسران روایت کرده‌اند که بعضی از مسلمانان در نبرد با بنی نظیر شروع کردند به قطع کردن درخت‌هایشان تا آن‌ها را بر سر غیظ و خشم آوردند و آن‌ها گفتند که ای محمد صلی الله علیه و سلم آیا این کار تو اصلاح است؟ و این سخن آن‌ها بر آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم دشوار آمد و صحابه در این فکر فرو رفتند که شاید کارشان فساد افکنی باشد که خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۷۹ شأن نزول: (آیه/۹ سوره حشر) روایت شده که مردی نزد آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم آمد و گفت به من فقر و تنگدستی رسیده، رسول خدا صلی الله علیه و سلم به خانه‌اش فرستادند چیزی نیافتند و اعلام کردند چه کسی این شخص را مهمان می‌کند شخصی از أنصار بلند شد و گفت که ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم من او را مهمان می‌کنم و او را به خانه‌اش برد و از زنش پرسید چه داریم که به این مهمان بدهیم. زنش گفت که فقط غذای کودکان است، آن شخص کودکان خود را خواباند و چراغ را خاموش کرد و غذا را پیش مهمان برد و وقتی صبح شد آن مهمان نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد، وقتی رسول الله صلی الله علیه و سلم او را دیدند خندیدند و فرمودند: که خداوند را از کار آن زن و مرد خوش آمده. پس این آیه نازل شد.

۸۰ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره حشر) این آیه در مورد عبدالله ابن ابی و یارانش نازل شد، چون به یهودیان بنی نضیر پیام فرستاده بودند که ما شما را حمایت می‌کنیم و اگر پیامبر صلی الله علیه و سلم با شما جنگید و یا که شما را تبعید کرد در هر صورت ما همراه شما هستیم و در آخر این منافقان به عهدشان وفا نکردند. همان بود که خداوند این آیه را نازل کردند.

۸۱ شأن نزول: (آیه/۱ سوره ممتحنه) در بیان سبب نزول این آیات از حضرت علی رضی الله عنه روایت کرده‌اند که فرمود رسول خدا صلی الله علیه و سلم من، زبیر و مقداد بن اسود (رضی الله

عنهم) را مأموریت داده و فرمودند بروید تا به باغ خاخ برسید پس در آن باغ زنی را می‌یابید که سوار هودج است و با او نامه‌ای است، آن نامه را گرفته و نزد من بیاورید. حضرت علی رضی الله عنه می‌فرماید که وقتی به آن زن رسیدیم او از این‌که نامه با او است انکار کرد، ما به او گفتیم یا نامه را بده یا لباس‌هایت را بیرون کرده بازرسی‌ات می‌کنیم پس آن زن نامه را از میان موهای بافته شده‌اش بیرون کرد، و نامه را حاطب بن أبی بلتعه رضی الله عنه برای قریش نوشته بود. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل فرمودند.

۸۲ شأن نزول: (آیه/۷ سوره ممتحنه) حضرت أبوهریره رضی الله عنه روایت می‌کند که اولین کسی که با مرتدان در راه اقامه و برپا داشتن دین خدا جنگید ابوسفیان بن حرب بود. پس این آیه نازل شد.

۸۳ شأن نزول: (آیه/۸ سوره ممتحنه) حضرت أسماء رضی الله عنها می‌گوید که مادرم در زمانی که مشرک بود پیش من آمد و من نزد آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم رفتم و پرسیدم که آیا با او صله رحمی بکنم یا نه؟ آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند بله با او صله رحمی بکن. سپس این آیه نازل شد.

۸۴ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره ممتحنه) این آیه در مورد أمّ حکیم دختر أبوسفیان نازل شد که مرتد گشت و شوهرش عباس بن تمیم قریشی را ترک کرد و پس به اسلام برگشت و اولین زنی که مرتد شده بود هم همین است.

۸۵ شأن نزول: (آیه/۱۲ سوره ممتحنه) مفسران در بیان سبب نزول این آیه می‌فرمایند که در روز فتح مکه بعد از آن نازل شد که رسول خدا صلی الله علیه و سلم از بیعت مردان فارغ شدند. حضرت عایشه رضی الله عنها می‌فرماید که بیعت زنان با آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فقط با سخن گفتن بود.

۸۶ شأن نزول: (آیه/۲ سوره صف) گروهی از مؤمنان قبل از آن‌که جهاد فرض شود می‌گفتند کاش خداوند دوست داشته‌ترین اعمال به نزد خود، ما را آگاه می‌کرد سپس خداوند به وسیله پیامبرش به آن‌ها اطلاع داد که ایمان به خداوند جهاد می‌باشد گروهی این فریضه را ناخوش داشتند و کار جهاد برایشان دشوار آمد پس خداوند این آیه (لم تقولون مالا تفعلون) را نازل کردند.

۸۷ شأن نزول: (آیه/۸ سوره صف) ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: که مدت ۴۰ روز بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم وحی نیامد پس کعب بن اشرف گفت ای جماعت یهود مژده‌تان باد که خداوند نور محمد صلی الله علیه و سلم را در آنچه که بر وی فرو می‌فرستاد خاموش گردانید پس مطمئن باشید که کارش به سرانجام نمی‌رسد آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم از سخن آن دشمن دین اندوهگین شد پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۸۸ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره صف) از سعید بن جبیر رضی الله عنه در بیان سبب نزول این آیه روایت شده که چون آیه (یاأیها الذین آمنوا هل أدلکم علی تجارةٍ) نازل شد مسلمانان گفتند اگر ما می‌دانستیم که آن تجارت چیست؟ قطعا در راه آن مال‌ها و جان‌هایمان را نثار می‌کردیم. پس این آیه نازل شد.

۸۹ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره جمعه) مفسران در بیان سبب نزول این آیه می‌فرمایند: که مردم مدینه در فقر و فاقه قرار گرفته بودند روز جمعه بود و رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در حال

ایراد خطبه جمعه بود کاروان تجارتی از شام رسید مردم به سوی آن دویدند و اندک نفراتی در مسجد باقی ماندند پس این آیه نازل شد.

۹۰ شأن نزول: (آیه/۵ سوره منافقون) حضرت قتاده رضی الله عنه می‌فرماید: که به عبدالله ابن أبی گفته شد کاش نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌رفتی تا برای تو آمرزش می‌خواستند اما او به نشانه تکبر و خود بزرگ بینی سرش را برگرداند آن‌گاه این آیه نازل شد.

۹۱ شأن نزول: (آیه/۶ سوره منافقون) ابن جریر طبری در بیان سبب نزول این آیه روایت می‌کند که چون آیه (إستغفر لهم أولا تستغفر لهم، إن تستغفر لهم سبعین مرةً فلن‌یغفرالله لهم. « توبه، آیه/۸۰») نازل شد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم فرمودند: برایم در آمرزش خواهی رخصت داده شده پس بر هفتاد بار آمرزش خواهی بر آنان می‌افزایم شاید خدای عزوجل بر آنان بیامرزد، پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۹۲ شأن نزول: (آیه/۷ سوره منافقون) زید ابن أرقم رضی الله عنه می‌گوید از عبدالله ابن أبی شنیدم که به یاران خود می‌گفت بر کسانی که نزد محمد (صلی الله علیه و سلم) هستند خرج نکنید تا از پیرامون وی پراکنده شوند پس این سخن را به عمویم گفتم و او به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم رساند پس ایشان مرا خواستند و جریان را کاملاً بیان کردم آن‌گاه آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم عبدالله ابن أبی و یارانش را خواست آن‌ها قسم یاد کردند، پس رسول خدا صلی الله علیه و سلم آن‌ها را تصدیق کرد و مرا تکذیب نمود، من ناراحت شدم آن‌گاه آیه (إذا جاءک المنافقون) نازل شد پس آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند که خداوند تو را تصدیق نمود.

۹۳ شأن نزول: (آیه/۱۱ سوره تغابن) سبب نزول این آیه این است که کفار گفتند اگر راه و روش مسلمانان حق بود می‌بایست خداوند آنان را در دنیا از مصائب نگه می‌داشت پس این آیه نازل شد.

۹۴ شأن نزول: (آیه/۱۴ سوره تغابن) همسران و فرزندان مردی او را از هجرت باز داشته بودند پس چون دید که مردم از هجرت وی سبقت گرفته‌اند بر آن شد که آن‌ها را مجازات کند همان بود که این ارشاد الهی نازل شد.

۹۵ شأن نزول: (آیه/۱۶ سوره تغابن) از سعید بن جبیر رضی الله عنه روایت شده چون آیه (فاتقوا الله حق تقاته) نازل شد کار مسلمانان دشوار شد و از آن پس چنان عبادت می‌کردند که پاهایشان زخم و ورم کردند پس خداوند برای سبک بار آن‌ها این آیه را نازل فرمودند.

۹۶ شأن نزول: (آیه/۱ سوره طلاق) از حضرت أنس رضی الله عنه روایت است که فرموده‌اند رسول خدا صلی الله علیه و سلم حضرت حفصه رضی الله عنها را طلاق دادند و او نزد خانواده‌اش رفت در این أثنا خداوند این آیه را نازل فرمود که به او رجوع نماید.

۹۷ شأن نزول: (آیه/۲ سوره طلاق) ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: که عوف ابن مالک أشجعی نزد رسول اکرم صلی الله علیه و سلم آمد و گفتند ای رسول خدا صلی الله علیه و سلم دشمن، پسرم را اسیر کرده و مادرش بی‌قراری می‌کند پس مرا به چه چیزی دستور می‌دهید؟ آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند: (لاحول و لا قوة إلا بالله) را بخوان، پس زنش گفت چه نیکوست آن‌چه آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم دستور داده، پس عنایت خداوند سر رسید و پسر همراه گوسفندان آن‌ها فرار کرد. و خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۹۸ شأن نزول: (آیه/۴ سوره طلاق) از أبی ابن کعب روایت شده است که فرمود چون آیه سوره بقرهٔ درباره عدهٔ زنان نازل شد اصحاب گفتند بیان تعداد دیگری از زنان یعنی دختران خرد سال و زنان بزرگ سال که حیض‌شان قطع شده و زنان باردار باقی مانده است، پس این آیه نازل شد.

۹۹ شأن نزول: (آیه/۱ سوره تحریم) إبن کثیر روایت می‌کند: چون آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم از نماز عصر برمی‌گشتند بر أزواج مطهرات سرکشی نموده و نزد یکی از ایشان _ زینت بنت جحش _ رضی الله عنها درنگ می‌کردند و از عسلی که داشت می‌نوشیدند. پس عایشه و حفصه رضی الله عنهما از روی رشک زنانه با هم چنین تبانی کردند که چون آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم به حجره ایشان آمدند به ایشان بگویند از شما بوی مغافیر می‌آید پس بدین سبب آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم عسل را بر خود حرام کردند. همان بود که خداوند متعال این آیات را نازل کردند.

۱۰۰ شأن نزول: (آیه/۵ سوره تحریم) بخاری از حضرت أنس رضی الله عنه روایت کرده است که حضرت عمر رضی الله عنه فرمود زنان رسول اکرم صلی الله علیه و سلم در غیرت رقابت و چشم و هم چشمی بر ایشان با هم همدستان شدند پس من به آنان گفتم چه بسا اگر او شما را یکجا طلاق دهد پروردگارش زنانی بهتر برایش جانشین گرداند همان بود که این آیه نازل شد.

۱۰۱ شأن نزول: (آیه/۱۳ سوره ملک) إبن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: که این آیه درباره مشرکان نازل شد که مشغول عیب جویی و طعن زدن به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم بودند پس جبرئیل علیه السلام ایشان را از سخنان آن‌ها آگاه کرد.

۱۰۲ شأن نزول: (آیه/۲۸ سوره ملک) روایت شده است که کفار مکه علیه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم و مؤمنان دعای هلاکت می‌کردند همان بود که این آیه نازل شد.

۱۰۳ شأن نزول: (آیه/۲ سوره قلم) إبن جریج در بیان سبب نزول این آیه می‌فرماید: مشرکان به رسول خدا صلی الله علیه و سلم می‌گفتند او دیوانه است بعد از آن شیطان است پس این آیه در ردّ آنان نازل شد.

۱۰٤ شان نزول: (آیه/ ۱ سوره معارج) نضربن حارث از روی عناد و استهزاء خطاب به پروردگار گفت (ان کان هذا هو الحق من عندک فامطر علینا حجارة «انفال/۳۱») پس این آیه نازل شد.

۱۰۵شان نزول: (آیه/ ۳۸سوره معارج) مشرکان پیرامون رسول خدا صلی الله علیه و سلم گرد آمده وبه سخن ایشان گوش فرا می‌دادند، اما از آن‌ها بهره‌ای نمی‌برند بلکه تکذیب واستهزاء ورزیده می‌گفتند اگر این‌ها وارد بهشت شوند بی گمان ماقبل از آنها وارد می شویم، پس این آیه نازل شد.

۱۰٦شان نزول: (آیه/۱_سوره جن) عبدالله ابن عباس رضی الله عنهما روایت کردند که رسول الله صلی الله علیه و سلم نه بر جن قرآن خواندند ونه آن‌ها را دیدند بلکه در زمان آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم میان شیاطین ودریافت اخبار آسمان مانع ایجاد گردید وبر آنها شهابها فرستاده می‌شد. پس جنیات گفتند یک اتفاق رخ داده لذا به مشارق و مغارب زمین رفتند تا عامل این قول را بیابند بلاخره گروهی از جن‌ها آن‌حضرت را در سرزمین تهامه در حالی که نماز بامداد را می‌خواندند دیدند و قرآن را شنیدند وبعد سوگند خوردند که عامل ایجاد حائل میان ما واخبارآسمان همین است. همان بود که خدای عزوجل بر رسول خویش سوره جن (قل اوحی الی...الخ) را نازل کردند.

۱۰۷شان نزول: (آیه/ ۱٦سوره جن) مقاتل در بیان سبب نزول آیه می‌گوید که درباره کفار قریش نازل گردید آن‌گاه که باران به مدت ۷ سال از آن‌ها باز داشته شد.

۱۰۸شان نزول: (آیه/۲۰ سوره جن) درمورد سبب نزول این آیه کریمه است که قریش به رسول اکرم صلی الله علیه و سلم گفتند بی‌گمان تو کاری بزرگ به میان آورده‌ای تو با همه مردم اعلام دشمنی کرده‌ای پس از این راه برگرد تا به تو پناه دهیم همان بود که این آیه نازل گردید.

۱۰۹شان نزول: (آیه/ ۲۵ سوره جن) حضرت مقاتل رضی الله عنه می‌گویند چون مشرکان آیه (حتی اذا راو مایوعدون) را شنیدند نضربن حارث به پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت پس این روزی که وعده آن را می‌دهی کی خواهد آمد؟ همان بود که خداوند این آیه را نازل گردانید.

۱۱۰شان نزول: (آیه/۲ سوره مزمل) حضرت جابر بن عبدالله رضی الله عنه می‌فرمایند: که آن حضرت صلی الله علیه و سلم فرمودند چون از غار حراء بیرون شد نا گاه صدایی را شنیدم که مرا می‌خواند به راست وچپ خود نگاه کردم ولی چیزی را ندیدم پس سرم را به سوی آسمان بلند کردم به ناگاه همان کسی که در حراء نزدم آمده بود رادیدم که درمیان آسمان وزمین بر تختی نشسته است از هیبتش ترسیدم بی درنگ به خانه بازگشتم وگفتم مرا بپوشانید پس این آیه نازل شد.

۱۱۱شان نزول: (آیه/۱۱ سوره مزمل) این آیه در مورد سران قریش وروسای مکه یعنی کسانی که علیه دعوت کمر بسته بودند نازل شد.

۱۱۲شان نزول: (آیه/۱۱ سوره مدثر) این آیه در مورد ولید بن مغیره نازل شد چون از استماع قرآن رسول خدا رقت قلبی برای او پدید آمد ابوجهل خبر شد واو رادعوت داد وگفت که تو پیش محمد رفته ای تا آنچه نزد وی است برخوردار گردی ولید گفت نه پس ابوجهل گفت در مورد محمد سخنی بگو او گفت که نعوذ بالله جادوگر است پس این آیه نازل شد.

۱۱۳شان نزول: (آیه/۳۰ سوره مدثر) گروهی از یهود از مردی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و سلم در مورد نگهبانان جهنم سوال کردند او نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد و این سوال را با ایشان در میان گذاشت در همان ساعت این آیه نازل شد.

۱۱٤شان نزول: (آیه/ ۳۱سوره مدثر) چون آیه(علیها تسعة عشر) نازل شد ابوجهل گفت آیا محمد بیش از۱۹ تن یاور ندارد؟ پس ایا هر صد مرد از شما عاجز از آنند که یکی از انها رابگیرند واز دوزخ خارج شوند پس این آیه نازل شد.

۱۱۵شان نزول: (آیه/۵۲ سوره مدثر) سبب نزول این آیه اینست که کفار قریش به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم گفتند باید صبح که از خواب بر می خیزیم بالای سر هر یک از ما نامه گشاده ای از جانب خدا قرار داشته باشد براین مضمون که تو رسول وی هستی. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۱۱۶شان نزول: (آیه /۳ سوره قیامه) عدی ابن ربیعه به رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفت ای محمد صلی الله علیه و سلم به من بگو قیامت کی روی می دهد پیامبر صلی الله علیه و سلم امر قیامت را برای وی باز گفتند سپس او گفت حتی اگر این روز را با چشم سر هم ببینم تورا تصدیق نمی کنم پس آیاخدا این استخوان را پس از پوسیدن گرد می آورد پس این آیه نازل شد.

۱۱۷شان نزول: (آیه/۸سوره دهر) این آیه کریمه درباره حضرت علی وفاطمه رضی الله عنهما وکنیزکی از آنها به نام فضه نازل گردید.

۱۱۸شان نزول: (آیه/۲۰ سوره دهر) روایت کرده اند عمربن خطاب رضی الله عنه نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم آمد درحالیکه آن حضرت صلی الله علیه و سلم بر حصیری خوابیده بودند واثر

آن بر بر بدن آن حضرت بود حضرت عمر رضی الله عنه گریه کردند آن حضرت صلی الله علیه و سلم علت گریه را پرسیدند ایشان فرمودند شما فرستاده بر حق خداوند هستید ودر چنین حالتی قرار دارید درحالیکه پادشاهان قیصر وکسری در آسایش هستند پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند آیا راضی نیستی که دنیا ازآنِ آن‌ها باشد وآخرت ازآن ما، پس این آیه نازل شد.

۱۱۹شان نزول: (آیه/۴۸ سوره مرسلات) در بیان سبب نزول این آیه کریمه گفته اند که درباره قبیله ثقیف که از نمازگزاردن امتناع کردند نازل شد.

۱۲۰شان نزول: (آیه/۱ سوره نبا) مفسران فرموده اند چون رسول خدا صلی الله علیه و سلم به رسالت مبعوث شدند وبه مردم مکه ز یگانگی خداوند واز زنده شدن پس از مرگ خبر دادند وبر آنها قرآن تلاوت کردند کفار شروع کردند به سوال کردن از یکدیگر و می گفتند برای محمد صلی الله علیه و سلم چه اتفاقی افتاده است؟ او چه چیزی به همراه آورده است پس خداوند این آیه رانازل فرمودند سپس سوالشان را با این فرموده خویش پاسخ داد.

۱۲۱شان نزول: (آیه/۴۱ سوره نازعات) مفسران گفته اند که این ۲آیه در شان مصعب ابن عمیر رضی الله عنه وبرادرش عامر ابن عمیر رضی الله عنه نازل شده اما مفاد آن عام است.

۱۲۲شان نزول: (آیه اجمالی سوره عبس) این سوره در شان عبدالله ابن مکتوم رضی الله عنه پسر دایی خدیجه رضی الله عنها نازل شده است.

۱۲۳شان نزول: (آیه/ ۱۷سوره عبس) عتبه بن ابی لهب هنگامیکه گفت من به پروردگار ستارگان کافرم. خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۱۲۴ شان نزول: (آیه/ ۲۹ سوره تکویر) چون آیه (لمن شآء منکم ان یستقیم) نازل شد ابوجهل گفت این امر مربوط به ماست اگر بخواهیم با استقامت می شویم واگر نخواهیم نمی‌شویم پس خداوند این آیه را نازل کرد.

۱۲۵شان نزول: (آیه/۶ سوره انفطار) برخی از مفسران در بیان سبب نزول این آیه می فرمایند که این آیه درباره ابی بن خلف یا درباره ابی اشد بن کلده جحمی نازل شده ولی ابن عباس رضی الله عنه می گوید مراد از انسان در اینجا ولید بن مغیره است.

۱۲۶ شان نزول: (آیه/ ۲۹ سوره مطففین) در مورد سبب نزل این آیه ۲روایت ذکر کرده اند. بنابر روایت اول مراد ازمجرمان ابوجهل،ولید بن مغیره و عاص بن وائل سهمی هستند. که عمار وسهیل وبلال (رضی الله عنهم) را استهزاء می کردند. روایت دوم علی ابن ابی طالب رضی الله عنه با جمعی از مسلمانان از راهی می گذشت پس منافقان به ایشان خندیدند و مسخره کردند و به نزد یاران منافق رفتند وگفتند امروز مرد کله طاس رادیدیم و همه آنان از این سخن خندیدند و قبل از آنکه حضرت علی رضی الله عنه نزد رسول خدا صلی الله علیه و سلم برسد این آیه نازل شد.

۱۲۷ شان نزول: (اجمالی سوره بروج) این سوره که بر محور اصحاب اخدود دور می زند به طور موجز این بود به یکی از شاهان کفار یهودی به نام زرحه بن تبان اسعد حمیدی معروف به ذونواس خبر رسید که بعضی ازرعیت او نصرانی شده اند. بر آنها حمله کرد وآنها را اختیار داد که آتش را قبول کنند یا دین یهود را آن‌ها آتش را قبول کردند واین ذونواس ۲۰هزار یا ۷۰ هزار مومن را درهمان جا سوزاند. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل فرمودند.

۱۲۸شان نزول: (آیه/٦_سوره طارق) حضرت عکرمه رضی الله عنه می فرماید آیه (فلینظر الانسان مم خلق) درباره ابی الاشد بن کلده جمحی نازل شد که از بس نیرومند وپهلوان بود بر روی پوست گاو می ایستاد ومی گفت ای قریش هر کس من را از روی آن برکند این مقدار جایزه دارد ومی گفت محمد صلی الله علیه و سلم گمان می کند که نگهبانان جهنم نوزده تن هستند پس حساب ده تن از آنان با من وشما همه نه تن دیگر را دفع کنید. همان بود که خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۱۲۹ شان نزول: (آیه/٦ سوره اعلی) چون جبرئیل علیه السلام وحی را بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم می آورد هنوز از القای آخر آیه فارغ نمی گشت که رسول خدا صلی الله علیه و سلم آغاز آیه را تکرار می کرد تا مبادا آن را فراموش نکند پس این آیه نازل شد.

۱۳۰ شان نزول: (آیه/۲۸_سوره فجر) در مورد این آیه ۲ روایت نقل شده است روایت اول درباره حضرت حمزه رضی الله عنه نازل شده آن گاه که در احد به شهادت رسید روایت دوم این آیه درباره حضرت عثمان رضی الله عنه نازل شد بعد از آنکه چاه رومه را خرید وآن را برای آب آشامیدن مردم وقف کرد.

۱۳۱شان نزول: (آیه/٦_سوره بلد) این آیه درمورد حارث بن عامر بن نوفل نازل شد که مرتکب گناهی شد واز رسول خدا صلی الله علیه و سلم استفتا کرد رسول خدا صلی الله علیه و سلم به وی دستور دادند که کفاره بپردازند گفت آخر از آن هنگام که در دین محمد در آمدم مالم در کفاره‌ها و خیرات‌ها رفت. پس خداوند متعال این آیه را نازل کردند.

۱۳۲شان نزول: (آیه/۷_سوره لیل) این آیات در مورد حضرت ابوبکرصدیق رضی الله عنه نازل شد. زیرا او ٦ نفر از مومنان را که دست مشرکان مکه اسیر بودند و در راه خدا عذاب و شکنجه می دیدند. خرید و آزاد شان کرد. پس این آیه نازل شد.

۱۳۳شان نزول: (آیه/۱۰_سوره لیل) ابن عباس رضی الله عنه می فرماید: این آیه درباره امیه ابن خلف نازل شد.

۱۳٤شان نزول: (آیه اجمالی سوره ضحی) حضرت جبرئیل علیه السلام چند روزی بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم وحی نیاورد این اثناء مشرکان گفتند محمد صلی الله علیه و سلم مورد بی مهری قرار گرفته وفرو گذاشته شده است همان بود که این سوره نازل شد.

۱۳٥شان نزول: (آیه /٥ سوره ضحی) ابن عباس رضی الله عنه روایت می کند که سر زمین‌هایی که بر امت آن حضرت صلی الله علیه و سلم فتح می شود شهر به شهر بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم عرضه شد ایشان بدان مسرور گشتند آنگاه این آیه نازل گردید.

۱۳۶ شأن نزول: (آیه/۶ سوره إنشراح) روایت شده است که چون مشرکان، مسلمانان را به فقر و ناداری طعنه زدند این آیه نازل شد.

۱۳۷ شأن نزول: (آیه/۵ سوره تین) چند تن در زمان رسول خدا صلی الله علیه و سلم بسیار پیر و فرتوت شده بودند و عقل‌هایشان کاهش یافته بود. اصحاب از رسول خدا صلی الله علیه و سلم سؤال کردند که آیا از نظر شرع شریف حکم آن‌ها چیست؟ همان بود که خداوند عذر آنان را نازل کرد که مزد همان اعمالی که قبل از بین رفتن عقل‌هایشان بدان عمل می‌کرده‌اند تعلق می‌گیرد.

۱۳۸ شأن نزول: (آیه/۷ سوره علق) روایت شده است که أبوجهل گفت که آیا محمد صلی الله علیه و سلم در میان شما چهره‌اش را بر خاک می‌گذارد، گفتند آری، گفت سوگند به لات و عزّیٰ که اگر ببینم

او چنین می‌کند گردنش را زیر لگدهای خود کرده و چهره‌اش را در خاک می‌مالم. پس خداوند این آیه را نازل کرد.

۱۳۹ شأن نزول: (اجمالی سوره زلزال) سبب نزول این سوره این است که کفار از روز قیامت و حساب بسیار سؤال می‌کردند و می‌گفتند (أیّان یوم القیامة) روز قیامت چه وقت است؟ پس خداوند در این سوره از قیامت برایشان سخن گفت.

۱۴۰ شأن نزول: (آیه/۸ سوره زلزال) چون آیه (و یطعمون الطعام علی حبّهِ) نازل شد مسلمانان بر این پندار بودند که نیکی‌های اندک و گناهان کوچک پاداش و جزاء داده نمی‌شوند. پس خداوند این آیه را نازل فرمودند.

۱۴۱ شأن نزول: (اجمالی سوره تکاثر) مفسران گفته‌اند که این سوره درباره ۲ قبیله از قبائل انصار یعنی قبائل بنی حارثه و بنی‌الحارث نازل گردید که به بسیاری کسان خود فخر فروشی می‌کردند.

۱۴۲ شأن نزول: (اجمالی سوره ماعون) هبةالله نابینا در بیان سبب نزول این سوره گفته است که نصف این سوره در مکه درباره عاص بن وائل و نصف دیگر آن در مدینه درباره عبدالله بن أبی منافق نازل شده است.

۱۴۳ شأن نزول: (آیه/۵ سوره ماعون) این آیه در مورد منافقانی نازل شده، که وقتی مؤمنان حاضر می‌بودند از روی ریا نماز می‌خواندند اما وقتی مؤمنان غایب می‌بودند نماز را ترک می‌کردند. پس خداوند این آیه را نازل کردند.

۱۴۴ شأن نزول: (اجمالی سوره کوثر) ابن أبی حاتم در بیان سبب نزول این سوره می‌فرماید: قریش به کسی که پسرانش می‌مرد، می‌گفتند فلانی بی سرانجام و بلا عقب است پس چون قاسم یا ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه و سلم درگذشت، عاص بن وائل گفت بَتَرَ محمدٌ محمد بلا عقب گردید، سپس این سوره در ردّ سخنشان نازل گردید.

۱۴۵ شأن نزول: (اجمالی سوره کافرون) واحدی نیشابوری روایت کرده است که این سوره درباره گروهی از قریش نازل شد کن به آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم پیشنهاد دادند که تو یک سال از دین ما اطاعت کن، ما یک سال از دین تو اطاعت می‌کنیم، رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرمودند: پناه بر خدا آیا به پروردگارم شرک کنم هرگز!!! همان بود که خداوند متعال این سوره را نازل گردانید.

۱۴۶ شأن نزول: (اجمالی سوره نصر) ابن عباس رضی الله عنه می‌فرماید: که حضرت عمر رضی الله عنه مرا با بزرگان بدر به مجلس خود فرا می‌خواند اما برخی از آنان از این امر ناراحت بودند، روزی مرا فرا خواند تا که فضل مرا بر دیگران نشان بدهد. پس فرمود: در تفسیر آیه اول سوره نصر (إذا جاء نصرالله والفتح) چه می‌گویید؟ بعضی گفتند که خداوند دستور داده که بعد از اینکه ما را پیروز گردانیده ستایش او را بگوییم، بعد حضرت عمر رضی الله عنه رو به من کرد و گفت تو نیز چنین می‌گویی؟ گفتم خیر بلکه نظر من اینست که در مورد فرا رسیدن اجل رسول خدا صلی الله علیه و سلم اشاره دارد.

۱۴۷ شأن نزول: (اجمالی سوره مسد) ابن عباس رضی الله عنه روایت کرده‌اند چون آیه (و أنذر عشیرتک الأقربین) نازل شد پیامبر صلی الله علیه و سلم بر کوه صفا رفت و آن‌ها را دعوت داد، تمامی قبیله‌ها حضور داشتند فقط أبولهب گفت هلاکت باد بر تو آیا ما را برای همین کار آورده‌ای، سپس راه خود را کشید و رفت. همان بود که این سوره نازل شد.

۱۴۸ شأن نزول: (اجمالی سوره إخلاص) مفسران در بیان سبب نزول این سوره از ابی ابن کعب رضی الله عنه روایت کرده‌اند که فرمود: مشرکان به رسول خدا صلی الله علیه و سلم گفتند ای محمد صلی الله علیه و سلم نسب پروردگارت را برای ما بیان کن، همان بود که خداوند متعال این سوره را نازل فرمودند.

۱۴۹ شأن نزول: (اجمالی معوذتین) در بخاری و مسلم از حضرت عایشه رضی الله عنها روایت شده است که فرمود: لبید بن اعصم همراه با دخترانش رسول خدا صلی الله علیه و سلم را جادو کردند، بدین نحو که غلاف شکوفه خرمایی را گرفته و موهایی را که هنگام شانه زدن از سر آن‌حضرت صلی الله علیه و سلم فرو ریخته بودند و دندانه‌های شانه ایشان، و نخی را که در آن یازده گره زده شده بود و گره‌ها با سوزن محکم ساخته شده بودند در آن غلاف خرما قرار داد و در آن دمید در این زمان بود که معوذتین بر رسول خدا صلی الله علیه و سلم نازل شد.

و ما علینا إلاالبلغ المبین

تمام شد شب پنجشنبه

در مسجد خلفاء راشدین شورشادی

مورخه: ۱۴۳۹/۶/۲۶

مطابق با ۱۳۹۶/۱۲/۲۳